

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

سوال کردند از پیغمبر خدا (ص) درباره هلالها، خدا فرمود: هلالها که «هِيَ مَوَاقِيتُ لِلنَّاسِ وَالْحَجِّ» ولی شما از درب خانه وارد شوید نه از پشت خانه‌ها. تقوا این نیست که انسان از پشت خانه وارد شود باید از درب خانه ورود پیدا کند. سوالتان را شفاف پرسید، مقصودتان را شفاف بگویند. انسان به طور کلی نباید در مواجهه با رهبر جامعه اسلامی به لسان تعریض و کنایه صحبت کند. شما نباید بنا بگذارید که او نمیداند نعوذ بالله، حکم غلط داده است. شما باید فلسفه آن را از او پرسید؛ او هم برایتان توضیح می‌دهد. می‌فرماید: «وَقَاتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ الَّذِينَ يُقَاتِلُونَكُمْ» در راه خدا با کسانی که با شما قتال می‌کنند، قتال بکنید. فضای سخن را دیروز اشاره کردم؛ آنها می‌گویند ما بحثی در قتال با قتال کنندگان نداریم اما الان که به ما می‌گویند حج، خود به خود تحریک دشمن است به قتال. ما که نمی‌خواهیم قتال کنیم، ما می‌خواهیم حج به جا آوریم. دستور این است اگر با شما قتال می‌کنند، قتال کنید. حالا یک نفر اینجا بگوید چرا حج برویم که آنها با ما قتال کنند که بعد ما با آنها قتال کنیم؟ آیه بعدی، بحث فتنه را می‌آورد؛ می‌فرماید اگر قرار است که آنها یک تدبیری بیندیشند که ما هر وقت بخواهیم برویم حج، آنها بخواهند با ما قتال کنند. ما هم که می‌گوییم قتال در ماه حرام، حرام است، پس هیچوقت دیگر حج نرویم! این نمی‌شود. این تعطیلی دین خداست. آنها باید سایه خود را از سر خانه خدا کوتاه کنند نه اینکه ما مدام کوتاه بیاییم. پس خوب دقت کنید فضای سخن چیست.

«وَأَقْتُلُوهُمْ حَيْثُ ثَقِفْتُمُوهُمْ»، «هَمْ» در «وَأَقْتُلُوهُمْ» به کجا می‌خورد؟ به «الَّذِينَ يُقَاتِلُونَكُمْ». در واقع ترجمه آیه اینست: کسانی که با شما قتال میکنند، هر کجا پیدا کردید بکشید. آنها قتال با ما نکنند ما هم کاری به آنها نداریم. ما می‌رویم حج خانه خدا. کسانی که با شما قتال میکنند می‌شوند «الَّذِينَ يُقَاتِلُونَكُمْ». کسانی که با شما قتال می‌کنند، بکشید هر جا که پیدا کردید؛ یعنی چه در حرم چه خارج از حرم. به خاطر اینکه اینها دارند تجاوز می‌کنند. «وَأَخْرِجُوهُمْ مِنْ حَيْثُ أَخْرَجْتُمْ» و اخراج کنید آنها را از آنجایی که شما را اخراج می‌کنند، از آن حیثی که شما را اخراج می‌کنند. دقت کنید: بسیاری از مترجمین و مفسرین «أَخْرَجْتُمْ» را برگرداندند به اخراج مسلمانها از مکه، سالها قبل. گویا الان خدا می‌خواهد بفرماید: بروید آنها را اخراج کنید همانطور که شما را اخراج کردند. این عبارت با فضای سخن آیات نمی‌خواند. چرا؟ به خاطر اینکه در ایام حج، خدا دستور جهاد ابتدایی که نمی‌دهد. بله ما باید آنها را اخراج کنیم اما چرا در ماه ذی الحجه؟ چرا در ایام حرام؟ در ماههای دیگری دستور اخراج آنها را بده. پس «وَأَخْرِجُوهُمْ مِنْ حَيْثُ أَخْرَجْتُمْ» ناظر به این است که اینها نمی‌خواهند شما در منطقه حرم مستقر شوید. می‌خواهند شما را از اینجا اخراج کنند. شما هر کجا اردو می‌زنی، می‌خواهی بنشین، می‌خواهی باری بیفکنی، مراسم را انجام دهی، آنها مانع هستند، اخراجتان می‌کنند، حمله می‌کنند. شما هم آنها را اخراج کنید. اجازه ندهید، منفعل در مقابل اراده آنها نشوید. آنها می‌خواهند شما حج به جا نیاورید شما هم در مقابل آنها فعال باشید و اجازه ندهید. «وَأَقْتُلُوهُمْ حَيْثُ ثَقِفْتُمُوهُمْ وَأَخْرِجُوهُمْ مِنْ حَيْثُ أَخْرَجْتُمْ» یعنی کسانی که با شما قتال می‌کنند، اخراج کنید از جایی که شما را اخراج بکنند. جوابشان را بدهید. خدایا چرا اینطوری به ما دستور می‌دهی؟ چون «وَالْفِتْنَةُ أَشَدُّ مِنَ الْقَتْلِ». یعنی درست است که ما اجازه قتل دادیم، اجازه اخراج دادیم در ماه حرام، اما این اجازه را دادیم در مقابل فتنه ای که اینها راه انداختند. آنها

دین خدا را منحصر در خود کردند و اجازه نمی‌دهند مسلمین دین الهی را اجرا کنند. فتنه از قتل هم بالاتر است. با ما می‌جنگند، ما را می‌خواهند اخراج کنند، نمی‌خواهند بگذارند ما مستقر شویم. ما هم جوابشان را می‌دهیم. هر جا پیدایشان کردید بکشید و از هر جا اخراجتان کردند، اخراجشان کنید. البته خداوند یک تاکیدی را می‌خواهد بکند که حرمت خود مسجد الحرام را به طور ویژه نگه دارید. خوب دقت کنید این مطلبش چیست.

«وَلَا تُقَاتِلُوهُمْ عِنْدَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ» نزد خود مسجد الحرام با آنها قتال نکنید «حَتَّى يُقَاتِلُوكُمْ فِيهِ» مگر اینکه آنها با شما نزدیک مسجد الحرام قتال کنند. در آن صورت اشکالی ندارد که جوابشان را بدهید؛ «فَإِنْ قَاتَلُوكُمْ فَاقْتُلُوهُمْ» اگر در خود مسجد با شما قتال کردند، شما می‌توانید آنها را بکشید، مانعی از این نیست. پس «عِنْدَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ» شما با آنها قتال نکنید مگر اینکه آنها با شما قتال کنند. در این صورت می‌توانید جواب قتالشان را بدهید. اینجا سوالی پیش می‌آید که این شد تکرار، خدا قبلاً هم فرموده بود: برای اینکه متوجه شویم فرق این دو چیست، خوب دقت کنید: شما دارید می‌روید مکه حج به جا آورید، اگر با شما قتال کردند با آنها قتال کنید. این شد مجوز قتال. معنی اش اینست که وقتی آنها در مقام قتال با شما قرار گرفتند عملاً دست شما به برخورد و قتال با آنها باز است ولو به اینکه تک بزنید یعنی شما حمله کنید. بله، من وارد مکه که می‌خواستم شوم، آنها ممانعت کردند، به روی ما سلاح کشیدند، جنگ را شروع کردند. حالا یک فتنه‌ای راه افتاده است. دیگر اینطور نیست که من منتظر باشم آنها بزنند من جواب دهم. نه، الان من هم می‌زنم. می‌زنم تا فتنه برطرف شود چون اینها فتنه کردند آنها نمی‌خواهند ما آنجا امنیت داشته باشیم. اما می‌فرماید شما می‌خواهید بزنید، کنار مسجد نزنید. یعنی کنار مسجد تک نزنید. حق تک نداریم، حق پاتک داریم. مجوز «وَلَا تُقَاتِلُوهُمْ عِنْدَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ»، تا وقتی است که آنها دست از قتال در مسجد بردارند، اگر دست برداشتند دیگر جزای کفرین که قتل بود متوقف می‌شود، «انْتَهَوْا» مال این است.

فتنه این است که مانع اجرای دین خدا بشوند، یعنی بخواهند از عبادت مشروع شما در خانه خدا ممانعت به عمل بیاورند، و «وَقَاتِلُوهُمْ حَتَّى لَا تَكُونَ فِتْنَةً» با آنها بجنگید تا فتنه جمع بشود. دیگر در صدد اخراج شما، در صدد قتل شما بر نیابند، «فَلَا عُدْوَانَ إِلَّا عَلَى الظَّالِمِينَ» در این صورت ما دشمنی نداریم، مگر علیه ظالمانی که بخواهند هنوز ظلم بکنند، ما در مقطعی هستیم که هنوز کعبه تحت استیلای مشرکان است، ولی اسلام می‌خواهد بگوید بروید حج خانه خدا را به جا بیاورید، در تاریخ هم ثبت شده است به همین شکل که یک معاهده ای بسته شد که اجازه عبادت، اجازه حج باشد، یک پیمانهای بسته شد که بعداً اینها این پیمان‌ها را شکستند، آن وقت دستور برائت آمد که بروید آنجا، بایستید، رو به کعبه، بایستید اعلام بکنید که دیگر معاهده‌ها تمام شد، چون شما معاهده‌ها را شکستید بعد از «الشَّهْرُ الْحَرَامُ» می‌کشیم شما را. که این بیانیه را علی علیه اسلام ابلاغ کرد، در این آیه مصداق ظلم، فتنه است. «إِلَّا عَلَى الظَّالِمِينَ» دوباره فتنه کنید، دوباره ظلم کنید ما باز هم هستیم، این حکم جاری است، تا وقتی بخواهید مزاحم ما باشید، این نشان دهنده میزان اهمیت حج در فرهنگ اسلام است، اسلام نمی‌تواند از حج بگذرد، حالا این به عنوان راهبرد است، اینکه این راهبرد کجا اجرا می‌شود و چطور اجرای می‌شود، با امام معصوم و در دوران غیبت با ولی فقیه است، الان درست است که خانه خدا، تحت استیلای مشرکان، به ظاهر مشرک نیست، اتفاقاً در توحید خیلی ادعایشان می‌شود، ولی مانع از تحقق حج بر محور امامت و ولایت هستند، در راه خدا با کسانی که با شما قتال می‌کنند، بجنگید، و اعتدال و تجاوز نکنید، بیش از قتال، بیش از جواب قتال مجوز ندارید، جواب قتال آنها را بدهیم، خدا متجاوزان را دوست ندارد، این در فضای «الشَّهْرُ الْحَرَامُ» است.

خدا می فرماید. ماه حرام به ماه حرام، برای ما ماه حرام است. برای آنها نیست. آنها به خودشان اجازه می دهند با ما قتل کنند. آنوقت ما که می خواهیم جواب آنها را بدهیم. برای ما ماه حرام شد؟ «الشَّهْرُ الْحَرَامُ بِالشَّهْرِ الْحَرَامِ وَالْحُرُمَاتُ قِصَاصٌ» در ماه های حرام یا در مناطق حرام، اینجا منطقه حرم است. اینجا ماه حرام است. حرمت اعم از جای حرام یا زمان حرام است. در حرمت قصاص تعطیل نیست، «وَالْحُرُمَاتُ قِصَاصٌ» عنوان است. یعنی در حرمت قصاص جاری است. ماه حرام زدن کسی را کشتند، می شود قاتل را بکشی، در ماه حرام با ما جنگیدند. می شود به آنها جواب بدهی. «وَالْحُرُمَاتُ قِصَاصٌ» خدا ماه حرام را درست نکرده است برای کتک خوردن ما، برای ظلم پذیری ما، لذا این عبارت بعدی خیلی لطیف است. «فَمَنْ اغْتَدَى عَلَيْكُمْ فَأَعْتَدُوا عَلَيْهِ بِمِثْلِ مَا اغْتَدَى عَلَيْكُمْ» این عبارت ببینید چقدر با قبلی فرق دارد، خدا می فرماید، تجاوز کنید به آنها، همان طور که تجاوز کردند به شما، یعنی می فرماید، اگر شما حالت نمی شود، می خواهم حالت کنم که آقا ماه حرام است، ولی جواب قتل را دادن، تجاوز نیست، اگر این را هم حالت نمی شود، با ادبیات خودت می خواهم با تو حرف بزنم، بله، تجاوز کن بر آنها، همان طور که تجاوز کردند بر شما، راضی شدید اینطوری، من به این هم راضی هستم، این ادبیات را باید ملحق کنی به آن حالت بیمارگونه ای که بعضی ها پیدا کردند، «يَسْأَلُونَكَ عَنِ الْأَهْلِ» مثل اینکه یک خارش خاصی پیدا کردند، در ماه حرام منفعل بشوند، چون ماه حرام است اصلاً نرویم حج، که اصلاً با ما نجنگند، که اصلاً مجبور نشویم با آنها بجنگیم، کلاً درش را ببندیم، بنشینیم در خانه هایمان استراحت کنیم، اینها با ادبیات «الْأَهْلِ»، اعتداء حال خودشان را توجیه می کنند، الان ماه حرام است، الان ما بخواهیم بجنگیم تجاوز است، خدا راضی نیست، خدا می فرماید من اینجا می گویم راضی هستم، تو می گویی راضی نیستم؟ من می گویم برو، وظیفه ات را انجام بده، جنگیدند با تو، بجنگ با آنها، تو می گویی تجاوز است، ما می گوییم خوب اعتدایی است. «فَاعْتَدُوا عَلَيْهِ بِمِثْلِ مَا ... وَاتَّقُوا اللَّهَ» و تقوای الهی پیشه کنید، این «وَاتَّقُوا اللَّهَ» یعنی بیش از مثل، نباشد، اینکه تا ریشه کن کردن کامل نسلشان را می خواهیم جلو برویم نباشد، بلکه تا برچیده شدن فتنه، ما دیگر از آن طرف تر، بعد از برچیده شدن فتنه دعوایی فعلاً با اینها نداریم، «...أَنَّ اللَّهَ مَعَ الْمُتَّقِينَ».

سرفصل این پاراگراف، «وَقَاتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ» بود، حالا می فرماید: «وَأَنْفِقُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ»، «وَقَاتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ» محقق نمی شود، جز با «وَأَنْفِقُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ»، اگر ما می خواهیم بجنگیم در راه خدا، با کسانی که فتنه می کنند، و می خواهند مانع از تحقق دین خدا بشوند، و هر وقت ما می خواهیم به دین مان عمل کنیم، با ما از در قتل رو در رو می شوند، اگر می خواهیم ما با اینها بجنگیم، این احتیاج به عدوات جنگی دارد، این احتیاج به قوت اقتصادی دارد، یعنی جز با تامین اقتصادی مکفی، یک جهاد منتج رقم نمی خورد، حالا در هر زمانی به تناسبش. ممکن است یک وقتی خرج جهاد، اسب است و شمشیر است و.... ممکن است یک زمانی مثل امروز، لازمه جهاد، داشتن موشک های دوربرد و بالستیک و حتی قاره پیما و اینها هست، این کسانی که می بینید، یک وقت هایی می آیند برای فریب دادن مسلمین به آنها می گویند، آقا چقدر می خواهید مثلاً پول خرج تسلیحات کنید؟ چقدر می خواهید پول خرج مسائل نظامی کنید؟ اگر قرار است دین برای خدا باشد، باید با فتنه مقابله شود، برای مقابله باید قتل بشود. اگر قرار است قتل بشود، باید برای قتل خرج بشود، حالا حد و حدودش چقدر است، بالاخره ولی امر جامعه مسلمین تشخیص می دهد، اگر شما انفاق در راه خدا نکنی برای برپایی قتل، عملاً خودت را به هلاکت انداختی، حالا این هلاکت دو جور است، یا می آیند می کشند شما را، اگر بخواهی دست از اسلام برندارید، می شود هلاکت دنیا، می کشند تو را، به زنجیر می کشند، اگر هم بخواهی دست از سلامت برداری، که نکشند تو را، به هلاکت آخرت گرفتار شدی، پس «وَلَا تُلْقُوا بِأَيْدِيكُمْ إِلَى التَّهْلُكَةِ»

در هر حالت اگر دست از انفاق در راه خدا برای برپایی قتال فی سبیل الله بردارید، بدانید به هلاکت می افتید، یا به هلاکت دنیا می افتید یا به هلاکت آخرت؛ «وَأَحْسِنُوا»، انفاق در راه خدا در راستای تحقق قتال در راه خدا احسان است، این رفتار نیک است، دارد عنوان می گذارد روی «أَنْفِقُوا»، احسان همیشه آش رشته نیست، پول می دهی سلاح می سازی، و با آن می توانی در مقابل فتنه گران بایستی، جلوی به هلاکت افتادن مسلمین را می گیری، این احسان است، «يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ (۱۹۵)» همانا الله محسنان را دوست دارد.

«وَأْتِمُوا الْحَجَّ وَالْعُمْرَةَ لِلَّهِ» تکلیف اتمام حج و عمره برای خدا؛ حج واجب در دل خودش یک عمره هم دارد، عمره برای ورود به منطقه حرم است، که شما وقتی می خواهید وارد بشوید احرام می بندید. یک مورد خاص این است، الان احرام عمره تمتع را بستید آمدید در حرم، مانعتان شدند، چه کار باید کرد؟ «فَإِنْ أَحْصِرْتُمْ»؛ خداوند می فرماید: «فَمَا اسْتَيْسَرَ مِنَ الْهَدْيِ» یعنی باید یک «الْهَدْيِ»، منظور از «الْهَدْيِ» قربانی است، حاجی حجتش تمام نیست مگر وقتی که قربانی کند، مقدمه حلق رأس یعنی تراشیدن سر، قربانی است، خدا می فرماید این قربانی سر جایش است، درست است نگذاشتند تو بروی و به مناسکت برسی، حالا «فَمَا اسْتَيْسَرَ مِنَ الْهَدْيِ» هر کس به حسب وسعش، یک نفر ممکن است گوسفند و بز قربانی کند، یک نفر گاو و شتر قربانی کند، «وَلَا تَحْلِقُوا رُءُوسَكُمْ» سرتان را نتراشید، یعنی از احرام خارج نشوید؛ «حَتَّى يَبْلُغَ الْهَدْيُ مَحَلَّهُ» تا وقتی که هدیه به محل خود برسد، اینجا مفسرین یک مقدار به زحمت افتادند، می گویند از طرفی خدا فرموده: «إِنْ أَحْصِرْتُمْ»، یعنی ما در حالت محاصره هستیم، از طرفی می فرماید: «يَبْلُغُ الْهَدْيُ مَحَلَّهُ» هدیه باید برسد بجای خودش، اینها در ذهنشان هم این است که هدیه باید برود به قربانگاه برسد، قربانگاه هدیه منا است، یعنی باید قربانی تو به منا برسد آنجا قربانی شود، گفتند آقا من وقتی محاصره هستم! قربانی من چطور می رسد به منا؟ یک عده از مترجمین گفتند این «أَحْصِرْتُمْ» یعنی مریض شدی! داشتی با کاروان می رفتی شما مریض شدی! شما با کاروان نمی توانی بروی ولی به کاروان بگو قربانی من را هم با خودتان ببرید.

می خواهم بگویم: مترجمان عزیز، مفسران گرامی، خداوند فرموده: «فَإِنْ أَحْصِرْتُمْ» بعد فرموده: «فَإِذَا أُمِنْتُمْ» پس «أَحْصِرْتُمْ» در مقابل «أُمِنْتُمْ» است، «أَحْصِرْتُمْ» محاصره نظامی است، «أُمِنْتُمْ» رفع محاصره نظامی است، امنیت است، پس پای بیماری را وسط نکشید! فقط یک حالت دارد و آن هم حصر نظامی را خدا می فرماید. محل بر وزن «مَفْعِل» دو معنا دارد، یک معنا اسم مکان است یک معنا اسم زمان است، چرا شما اسم مکان گرفتید؟ محل یعنی زمان حلول قربانی، یعنی وقتی که شما قربانی ها را می آورید بالا ذبح می کنید، اگر محاصره شدید تا وقتی که زمان قربانی (ده ذی الحجه) نرسیده و شما هم در حصر تشریف دارید از احرام خارج نشوید! یعنی شما تا وقتی که زمان قربانی نرسیده میدان را خالی نکنید، باشید اینجا دیگر! وقت قربانی که رسید قربانی کنید از احرام خارج شوید و بروید. بخاطر همین است که شاخه بعدی را دیگر با «إِنْ» نمی آورد، هر وقت امنیت ایجاد شد آن وقت برو جلو هدیت را برسان به قربانگاه و در زمان خودش قربانی کن؛ پس «إِذَا أُمِنْتُمْ» بعدی این است.

«الْحَجَّ أَشْهُرٌ مَعْلُومَاتٌ» کل مراسم حج از وقوف در عرفات و بعد مشعر و بعد منا، در سه روز است، هشتم و نهم دهم است و پایان حج در دهم ذی الحجه است. شوال، ذی القعدة، ذی الحجه، در سه ماه شما هر وقت عمره تمتع بجا بیاورید از شما به عنوان عمره حج قبول است به شرطی که دیگر بمانید مکه تا زمان حج، اگر راه باز نشد همانجا قربانیات را انجام می دهی در روز دهم، سرت را می تراشی و برمی گردی.